

حضرت امام سپس به نهی تنزیهی (کراهتی) اشاره کرده و می نویسند:

«و أمّا النهی التنزیهی: فمع بقائه علی تنزیهیه و دلالتہ علی مرجوحیة متعلّقه، فلا یجتمع مع الصحّة، لکن یقع البحث- حیثند- فی أنّ النهی التنزیهی ملازم للترخیص، و کیف یمکن الترخیص فی التبعّد بأمر مرجوح؟! و هل هذا إلاّ الترخیص بالتشریع؟! فلا بدّ بعد إحراز المرجوحیة من التخلّص عن هذا الإشکال، بأن یقال: إنّ الترخیص حیثی، مفاده عدم کون عنوان العبادة محرّمًا ذاتا، و لا یتنافی ذلك مع الحرمة من قبل التشریع علی فرضها»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. وقتی قبول کردیم که نهی تنزیهی است و پذیرفتیم که نهی تنزیهی هم دال بر مرجوح بودن متعلق نهی است، می گوئیم:
۲. مرجوح بودن با صحت جمع نمی شود.
۳. البته این سوال مطرح است که:  
از طرفی کراهت به معنای آن است که می توان نهی را ترک کرد (و عمل را انجام داد) و وقتی «عبادت»، متعلق نهی کراهتی است، تصویر مسئله چنین می شود که: «شارع اجازه داده است که یک امر مرجوح (مکروه) را بتوان با قصد قربت به جای آورد.»
۴. و چون امر مرجوح باعث تقرب نیست، معنای این ترخیص آن است که: «شارع اجازه داده است که در کاری که امکان تقرب وجود ندارد، قصد قربت کرد.» و این یعنی شارع اجازه تشریح داده است.
۵. [به عبارت دیگر: وقتی عملی مرجوح است، می دانیم که مرجوحیت با قصد قربت جمع نمی شود ولی از طرفی شارع گفته است که این عبادت (عمل + قصد قربت) را می توانید انجام دهید (چون نهی، کراهتی است) پس شارع گفته عملی که قابلیت قصد قربت ندارد را می توانید با قصد قربت به جای آورید. و این، تشریح است]
۶. راه حل این اشکال آن است که بگوئیم:  
«عبادت مکروهه (که نهی به ذات عبادت تعلق گرفته است)، حرام نیست ولی اینکه می گوئیم مکروهه است به این معنی است که شارع می خواهد بگوید این عبادت مکروهه، بالذات حرام نیست ولی اگر بخواهید آن را به عنوان عبادت به جای آورید، چون تشریح است، حرام است.



۷. [به عبارت دیگر، نهی تنزیهی بر «مبغوضیت مولا از یک عمل را در اندازه‌ای که به سرحد الزام نرسیده است، دلالت دارد» ولی این نهی یک مفهوم بسیط را می‌رساند. و در نتیجه لازمه این نهی آن است که اگر از جهت دیگری (مثلاً تشریح) مانعیت و «الزام بر ترک» حاصل نشد، در انجام آن ترخیص دارد. پس نهی تنزیهی دلالت خاص خود را دارد و منافات با حرمت تشریحی ندارد.]

ما می‌گوییم:

۱. راه‌حل دیگری هم برای حل این اشکال در تقریرات امام مطرح شده است که البته آن را حضرت امام رد کرده است:

«وقد يقال : إن الكراهة بما أنها لا تمنع عن إيجاد متعلقها ، فإذا تعلقت ببعض أفراد العبادة الواجبة تصير إرشاداً إلى كون هذا الفرد أقل ثواباً من غيره .  
وفيه : أن البحث فيما إذا كان النهي ظاهراً في المرجوحية ، وأما لو كان الظاهر منه هو الإرشاد إلى أقلية الثواب فخارج من البحث.»<sup>۱</sup>

۲. توجه شود که این پاسخ (که امام آن را نپذیرفته است) به عنوان نظر و راه‌حل امام در تنقیح الاصول<sup>۲</sup> مورد اشاره است که ظاهراً غلط است.

۳. به نظر می‌رسد می‌توان راه حل دیگری را مطرح کرد:

چنانکه در ذیل سخن مرحوم آخوند گفتیم، در تشریح، قصد قربت موجود نیست و آنچه هويت تشریح را پدید می‌آورد، انتساب دروغین به شارع است و لذا «عبادت منهیّه (مکروهه‌هایی که نهی به ذات عمل تعلق گرفته است)»، قابل قصد قربت نیست (حتی تشریحاً)، پس اگر چه شارع عبادت را تنزیهاً مورد نهی قرار داده است، امکان قصد قربت در اتیان آن، موجود نیست.



۱. تهذیب الاصول، ج ۲، ص ۷۹

۲. ج ۲، ص ۲۵۷